

مروری بر انتخابات در جمهوری اسلامی

روند انتخابات در جمهوری اسلامی را اگر از آغاز مرور کنیم، متوجه می شویم که از همان دوره اول مجلس، انتخابات ماهیتی حذفی و درونگرایی پیدا کرد. در آن زمان، دو جناح تعریف می شد: یکی اسلامگرایان سنتی و جمهوری اسلامی گرایان، و دیگری ملی گرایان سنتی و سازمانهای چپگرا که قصد ورود به فرایند سیاسی کشور را داشتند و ما مشاهده کردیم که حذف نمایندگان دگراندیش چه از قبل و چه در مجلس و با عدم تایید اعتبارنامه ها اعمال شد.

از دوره دوم به بعد، ما شاهد تنگتر شدن حلقه خودی ها بودیم. جناح تکنوکرات چپ مذهبی که خود را باسواد و کاردان جامعه مذهبی می دانست کوشید انتخابات و اداره کشور را در انحصار خود درآورد. جنگ عراق علیه ایران هم این فرصت را به آنها داد.

ولی در نخستین انتخابات پس از جنگ، حلقه خودی ها باز هم تنگتر شد و کم کم تکنوکرات های مذهبی هم به حاشیه رانده شدند، و با قبضه کردن دولت، مجلس و قوه قضائیه، عملاً همه امور اساسی کشور را روحانیان و نزدیکان آنها بدست گرفتند. و از آن پس این گروه برای کنترل بیشتر، حلقه خودی ها را باز تنگتر کرد و انتخابات را نیز کاملاً تحت کنترل کامل درآورد تا مجلس نتواند به طرح لایحه هایی بپردازد که به این تنگ شیشه ای شکننده قدرت آنها ضربه بزند. شورای نگهبان بنای دخالت در همه چیز را گذاشت، مجمع تشخیص مصلحت نظام بوجود آمد و قدرت گرفت. عرصه بر منتقدان و مخالفان حکومت تنگتر و خطرناک تر شد.

با این ترفندها، خطر ناشی از تبعات جنگ و بازگشت رزمندگان از بین رفت، ولی نارضایتی شدیدی در میان خودی هایی که اکنون ناخودی شده و به حاشیه رانده شده بودند بالا گرفت. در درون حاکمیت هم اختلاف سلیقه میان تندروان و کندروان و کسانی که فکر می کردند اگر جلو این روند را نگیرند، جمهوری اسلامی همراه با همه آنها سقوط خواهد کرد، شدت گرفت. این اختلافات به بیرون درز کرد، در رسانه ها

مطرح شد و مردم نیز تشویق به آشکار کردن مواضع انتقادی خود شدند. آنها که از برکت سرانحصارات و رانت ها و اقتصاد بسته و معاملات محرمانه ثروتمند شده بودند، امنیت خود را در باز کردن جامعه تا حدی که نارضایتی ها به حد انفجار نرسد دیدند. این اندیشه، انتخابات اول شوراها، و انتخابات مجلس ششم و ریاست جمهوری ۱۳۷۶ را پیش آورد. پیروزی اصلاح طلبان درون نظام، همانگونه که بخش هوشمند گرداندگان نظام پیش بینی کرده بودند، مردم را امیدوار به تداوم بهبود شرایط کار و زندگی کرد، و به نظر می رسید که با فروکش کردن موج اعتراضات و مخالفت ها، امنیت و بقای نظام تضمین شده باشد. ولی نظام دو نیمه شده بود.

دو نیمه محافظه کار و اصلاح طلب رودر روی یکدیگر قرار گرفتند. جناح محافظه کار که جنبش اصلاح طلبی را باعث کم رنگ شدن حضورش در عرصه اداره کشور و دستیابی به منابع مالی و امکانات می انگاشت، بجای دیدن تصویر بزرگتری که در حال شکل گرفتن بود، انرژی خود را صرف مانع تراشی و شکست دادن تلاش های جناح اصلاح طلب کرد. جناح اصلاح طلب راحت طلب هم که نه انگیزه و نه اراده ایستادن بر باورهای خود را داشت، زود تسلیم شد

استراتژی این جناح نوظهور

که از دید تاکتیکی

پشت بخش اصولگرای مذهبی

پنهان شده،

کنار گذاردن همه روحانیان از

دخالت در امور اجرایی و دولتی

و ایجاد یک حکومت

نظامی گرای تک صدایی است

و ایمنی خود را بر پیگیری تعهدات خود به ملت ترجیح داد.

از سوی دیگر سران جوان جنگ رفته سپاه و بسیج که اکنون به رفاه و ثروت دست یافته بودند، قدرت مالی و نظامی خود را بشدت تقویت کرده بودند و بسیاری از آنها هم به مقتضای سنشان ادامه تحصیل داده و اکنون خود را باسوادتر، باتجربه تر و کارآمدتر از روحانیانی که قدرت را قبضه کرده بودند می دانستند. آنها اینک که به میانسالی رسیده بودند، دیگر حاضر نبودند پشتیبان نظامی کسانی باشند که به باور آنها لیاقت اداره کشور را نداشتند. در حالیکه جناح های محافظه کار سنتی و اصلاح طلب در حال جدال و حذف یکدیگر بودند، جناح نظامی تبار جدید با یک برنامه تدوین شده، گام به گام سنگرهای قدرت را قبضه کرد. این جنبش که از میانه های حکومت خاتمی آغاز شده بود، نخست شوراها، سپس بخش قابل ملاحظه ای از مجلس هفتم و قوه قضائیه را به چنگ آورد و سرانجام رییس جمهور خود را از صندوق درآورد.

استراتژی این جناح نوظهور، که از دید تاکتیکی پشت بخش اصولگرای مذهبی پنهان شده، کنار گذاردن همه روحانیان از دخالت در امور اجرایی و دولتی و ایجاد یک حکومت نظامی گرای تک صدایی است. انتخابات پیش رو، در واقع نبرد نهایی برای تصرف آخرین سنگر است. روحانیان که با پشتیبانی از این موج نظامی گری تصور می کردند که با سرکوب مخالفان توسط آنها قدرت خود را تحکیم می بخشند، بزودی با شگفتی های جدیدی روبرو خواهند شد و خواهند دید که این جناح نظامی تبار موج جدیدی از قدرت طلبی را برانداخته است.

در انتخابات پیش رو که چیزی بجز جنگ قدرت درون حکومتی نیست، به باور ما، اصلاً مهم نیست چه کسی نامزد می شود و چه کسی برنده می شود. کل ماجرای انتخابات فرمایشی و نادیده گرفتن حقوق ملت محکوم به شکست خواهد بود.